

## بررسی اثر تعدیلی راهبری شرکتی بر رابطه مدیریت سود و چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

کد مقاله: ۲۹۷۱۴

شکوفه نکوئی زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

چسبندگی هزینه ای یکی از مهم ترین موضوعات حوزه های مدیریت مالی و حسابداری است. ادبیات این حوزه نشان می‌دهد چسبندگی هزینه ها نمی‌تواند از انگیزه‌های مدیریت جدا باشد. براساس ادبیات پژوهش، هدف اصلی این پژوهش بررسی اثر تعدیلی راهبری شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. براین اساس، اطلاعات مربوط به ۱۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه رابطه معناداری وجود دارد و از طرفی راهبری شرکتی بر چسبندگی هزینه تأثیری ندارد. همچنین اثر تعدیلی راهبری شرکتی خوب بر رابطه بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه رابطه معناداری دیده نشد.

واژگان کلیدی: مدیریت سود، راهبری شرکتی، چسبندگی هزینه

۱- استادیار گروه حسابداری، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.

برنامه‌ریزی و کنترل از وظایف مهم مدیریت است. اطلاعات مرتبط با هزینه‌ها که مدیران برای انجام این وظایف نیاز دارند ممکن است از اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ی منعکس در صورت‌های مالی قابل دریافت نباشد. مثلاً مدیران برای مقاصد برنامه‌ریزی و کنترل نیاز دارند از گرایش هزینه‌ها، یعنی چگونگی تغییر هزینه‌ها، آگاه شوند. اطلاعات مورد نیاز در این زمینه را نمی‌توان به سهولت از صورت‌های مالی استخراج کرد. گرایش هزینه‌ها به چگونگی واکنش هزینه‌ها در برابر تغییر در سطح فعالیت اشاره دارد. به بیان دیگر، مقصود از گرایش هزینه‌ها، مدلی است که براساس آن یک هزینه مشخص نسبت به تغییر در سطح فعالیت، واکنش نشان می‌دهد (آقایی و همکاران، ۱۳۹۴). یکی از مفروضات اولیه حسابداری مدیریت بیانگر آن است که تغییرات هزینه‌ها رابطه متناسبی با افزایش و کاهش سطح فعالیت دارد. اما این فرض با مطرح شدن چسبندگی هزینه توسط آندرسون و همکاران مورد بحث قرار گرفته است. به این معنا که میزان افزایش در هزینه‌ها با افزایش در سطح فعالیت بیشتر از میزان کاهش در هزینه‌ها در ازای همان میزان کاهش در سطح فعالیت است. مدل‌های سنتی رفتار هزینه‌ها در ادبیات حسابداری بین هزینه‌های ثابت و متغیر با توجه به تغییرات سطح فعالیت تفاوت قایل می‌شوند. هزینه‌های ثابت، فرض می‌شود که از سطح فعالیت مستقل باشند، در حالی که هزینه‌های متغیر، فرض می‌شود به صورت خطی و در تناسب با تغییرات در سطح فعالیت تغییر کنند. در زیر مجموعه مدل سنتی رفتار هزینه‌ها، یک دسته از فرضیات قرار دارند که جدا از ساده‌سازی جهان واقعی، این مدل را از روشی که هزینه‌ها در واقعیت رفتار می‌کنند دور نگاه می‌دارد. برخی از فرضیات ادعا می‌کند که هزینه‌ها به‌طور متفاوت نسبت به تغییرات صعودی و نزولی سطح فعالیت واکنش نشان می‌دهند این ویژگی باعث شده که از آن‌ها تحت عنوان هزینه‌های چسبنده یاد شود (علیمردی و همکاران، ۱۳۹۲).

از طرفی دیگر، گرایش‌های اخیر در جوامع مختلف، از ایجاد و توسعه‌ی مفهوم ثبات و پایداری شرکت و اثرات آن در مدیریت تجاری حمایت می‌کنند. این امر خبر از لزوم اتخاذ راهبری شرکتی می‌دهد. اگر قرار است شرکت اصول ثابت و پایداری را برآورده سازد، اول باید راهبری شرکتی با ثبات و پایداری شناسایی شود. افراد مسئول راهبری شرکتی باید به‌طور پایدار، مسئولانه و اجتماعی رفتار کنند و به این روش شرکت‌های‌شان را مدیریت نمایند. ثبات و پایداری برای ادغام موفق باید به کل سازمان سرایت و انتشار پیدا کند. اگر ثبات و پایداری در شکل‌دهی اهداف شرکت، استراتژی‌های شرکت، روندها و فرآیندها (از بالا) دخالت داده نشود، پیگیری ثبات و پایداری لازم نیست (پوجا و همکاران، ۲۰۱۴). اما در این بین، شرکت‌هایی که توان مالی بالایی دارند، اگر قادر به پرداخت تعهدهای ناشی از تأمین مالی برون سازمانی نباشند، هم در معرض ریسک ورشکستگی قرار خواهند گرفت و هم قادر به پیدا کردن اعتباردهندگان جدید در آینده نخواهند بود. در چنین شرایطی اگر شرکت تمایل به دریافت وام جدید داشته باشد، از سوی اعتباردهندگان از لحاظ توان پرداخت بدهی در دوره‌های آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بنابراین برای تداوم فعالیت و سودآوری آتی وجود وجه نقد کافی ضروری است و تأکید روزافزون تحلیل‌گران مالی و سرمایه‌گذاران بر جریان‌های نقد عملیاتی، به عنوان شاخص شفاف‌تری از عملکرد شرکت، سبب شده مدیریت‌انگیزه‌های بیشتری برای مدیریت سود داشته باشد تا از این طریق تصویر مطلوبی از جریان‌های نقد عملیاتی ارائه دهد و بتواند منابع تأمین مالی برون سازمانی را حفظ کند. در نتیجه، شرکت‌هایی با اهرم مالی بالا در مقایسه با سایر منابع تأمین مالی توجه زیادی به جریان‌های نقد عملیاتی دارند (بولو و همکاران، ۱۳۹۱). به این ترتیب و با توجه به اهمیت بررسی رفتار هزینه‌ها برای برنامه‌ریزی آتی شرکت‌ها در این پژوهش، محقق به دنبال بررسی اثر تعدیلی راهبری شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

## ۲- ضرورت انجام تحقیق

پس از رسوایی انرون اندرسون و ورلداکام در سال ۲۰۰۲، تا کنون تحقیقات زیادی در زمینه راهبری شرکتی و مدیریت سود انجام شده است (روهادیا، ۲۰۱۱). بسیاری از محققین ورشکستگی این شرکت‌های بزرگ را ناشی از ضعیف بودن راهبری شرکتی در آن‌ها می‌دانند. با وقوع این رویدادها شفافیت صورت‌های مالی مورد تردید قرار گرفت. دیفوند و همکاران (۲۰۰۰) بیان کردند که این رسوایی‌ها منجر به نقش حیاتی راهبری شرکتی در محیط شرکت شد. راهبری شرکتی در برگزیده مجموعه روابط بین سهامداران، مدیران، حساب‌رسان و سایر افراد ذینفع است که متضمن برقراری نظام کنترلی به منظور رعایت حقوق سهامداران جزء و اجرای صحیح مصوبات مجمع و جلوگیری از سوء استفاده احتمالی است. دی آنجلو (۱۹۸۱) و روداک و همکاران (۲۰۰۶) اعتقاد دارند که سیستم‌های مکانیزم راهبری شرکتی مناسب منجر به تقویت و مهارت مدیران و کمیته حسابرسی شده و نظارت موثر بر فعالیت‌های مدیران نموده و نهایت این امر منجر به کیفیت صورت‌های مالی می‌شود و این امر با محدود ساختن فرصت‌های مدیریت سود انجام می‌گیرد.

فیلیپون (۲۰۰۴) بیان کرده است که مدیران برای رسیدن به منافع خود سودها را مدیریت می‌کنند. وی بیان می‌کند، با توجه به این که اندازه‌گیری وجوه نقد عملیاتی آسان می‌باشد، مدیران برای مدیریت کردن سود از ارقام تعهدی استفاده کرده تا بتوانند به سودهای مطلوب دست یابند. واتز و همکاران (۱۹۸۶) نیز بیان داشته‌اند در شرکت‌هایی که برنامه‌های پاداش مدیران انجام می‌شود مدیران سعی خواهند نمود سودهای دوره‌های آتی را به دوره جاری منتقل نمایند و از این رو سودها را دستکاری کنند. و به این طریق مدیران سودهای شرکت را به نفع خود مدیریت می‌کنند. نظریه‌های متفاوتی در مورد شدت چسبندگی هزینه‌ها مطرح شده است که از آن جمله، می‌توان تمایل مدیریت در حفظ ظرفیت منابع در دوره‌های کاهش درآمد، به دلیل عدم تمایل به تحمل هزینه‌های تعدیل منابع و تجهیز مجدد منابع را بیان کرد. اندرسون (۲۰۰۳) و گروهی از پژوهشگران نظیر چن (۲۰۰۸) و مدیروس (۲۰۰۴) چنین پدیده‌ای را از دیدگاه نظریه نمایندگی و انگیزه‌های شخصی مدیران در حفظ سطح ظرفیت تولیدی در دوره‌های کاهش درآمد تحلیل کرده‌اند. پژوهشگرانی نظیر اندرسون و بنکر (۲۰۰۷) و چن (۲۰۰۶) با بررسی اهمیت توجه به رفتار چسبنده هزینه‌ها در ارزیابی عملکرد آتی شرکت و تجزیه و تحلیل نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌ها، مدل نوینی را معرفی کردند و با مقایسه مدل خود با مدل‌های سنتی پیشین نشان دادند که مدل آن‌ها، دقت بیشتری در پیش‌بینی نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌ها دارد. اندرسون و بنکر (۲۰۰۷) در پژوهشی نشان دادند بر خلاف دیدگاه سنتی، افزایش نسبت هزینه‌های توزیع، فروش، عمومی و اداری به خالص فروش، حاوی اخبار ناخوشایندی درباره عملکرد جاری و آتی شرکت‌ها نیست. آن‌ها دریافتند که چنین دیدگاهی فقط در دوره‌های افزایش درآمد صحت دارد و دیدگاه مذکور در دوره‌های کاهش فروش، باید با احتیاط بیشتری سنجیده شود. از این رو با توجه به اهمیت موضوع، محقق به دنبال بررسی اثر تعدیلی راهبری شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

### ۳- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

#### ۳-۱- راهبری شرکتی، مدیریت سود و چسبندگی هزینه‌ها

در ادبیات حسابداری در زمینه‌ی تعریف مدیریت سود اجماع وجود ندارد. تعریف ارائه‌شده توسط هیلی و واهلن درخصوص مدیریت سود به این صورت می‌باشد: مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران در گزارشگری مالی از قضاوت استفاده می‌کنند تا برخی از ذینفعان را نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه نمایند یا نتایج قراردادی که با ارقام حسابداری گزارش شده ربط دارند را تحت تأثیر قرار دهند. ارتباط منفی بین ارقام تعهدی اختیاری و بازده سود سهام حول وحوش اعلامیه سود یافتند. این نتیجه نشان می‌دهد که بازار ارقام تعهدی غیرعادی را به صورت فرصت طلبانه می‌بیند.

مجموعه دیگری از مطالعات برانمیت شغلی مدیران و انگیزه‌های دستکاری سود در زمانی که مدیران با احتمال از دست دادن شغل خود مواجه می‌شوند، تأکید دارند. دی‌آنجلو گزارش می‌دهد که در طول مدت جایگزینی، مدیران ممکن است از اختیار حسابداری خود برای نشان دادن تصویر مناسبی از عملکرد شخصی به منظور به دست آوردن رأی سهام‌داران استفاده نمایند. دچوو و اسلوان دریافتند که مدیران عامل تمایل به کاهش هزینه تحقیق و توسعه در سال‌های آخر خدمت خود دارند تا احتمالاً سودهای گزارش شده را افزایش دهند. شرکت‌ها همچنین سودها را به منظور دستیابی به انتظارات بازار مدیریت می‌کنند.

به‌عنوان مثال، توو، ولج و وانگ بیان می‌کنند که فرآیند اولین عرضه سهام (IPO) در معرض مدیریت سود می‌باشد زیرا عدم تقارن اطلاعاتی بالایی بین سرمایه‌گذاران و صادرکنندگان سهام در زمان اولین عرضه سهام وجود دارد. همچنین مشاهده مشابهی در مورد عرضه فصلی سهام وجود دارد. ترکیب شرکت‌ها زمینه‌ی دیگری است که در مدیریت سود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اخیراً موضوع راهبری شرکتی در سطح بین‌المللی توجه زیادی به خود جلب کرده است. درستی گزارشگری مالی دغدغه مشترک تدوین‌کنندگان استاندارد و افراد شاغل در حرفه بوده است (به‌ویژه پس از رسوایی‌های مالی شرکت‌های معتبر و شناخته شده‌ای مثل اترون و ورلدکام). درخصوص کشورهای آسیایی راهبری شرکتی ضعیف به‌عنوان یکی از دلایل بحران مالی ۱۹۹۷ آسیا عنوان شده است. رسوایی‌های حسابداری و سقوط شرکت‌هایی در آمریکا نظیر اترون و ولدکام، و در استرالیا مانند شرکت‌های تل‌وان، نگرانی‌های جدی را در مورد مدیریت سود، استفاده از سود گزارش شده و مسائل اخلاقی کسانی که این گزارش‌ها را تهیه و حسابرسی می‌کنند، بوجود آورد سازمان‌های قانونگذار در آمریکا بر اساس قوانینی مثل قانون ساربینز اکسلی، مدیران شرکت‌ها را ملزم به تضمین گزارش‌های مال، توانمند کردن راهبری شرکتی و بهبود استقلال حسابرس نمود تا از این طریق، مدیریت سود کاهش و کیفیت گزارشگری مالی بهبود یابد (حساس یگانه، ۳۲، ۱۳۸۵).

در کشور ما در چند سال اخیر کوشش‌هایی برای شناساندن ماهیت نظام راهبری شرکت‌ها و اهمیت آن در بعد نظارت بر بنگاه‌های اقتصادی صورت پذیرفته است. نمونه تلاش‌های مذکور ارائه پیش‌نویس آئین‌نامه اصول راهبری شرکت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در تاریخ ۸/۱۱/۸۶ می‌باشد. عباس‌زاده همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان فراتحلیل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود را اجرا کردند. نتایج به دست آمده نشان داد نوع و علامت ارقام تعهدی به منزله متغیر تعدیل‌کننده، روابط بین اندازه هیأت مدیره، مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت و مدیریت سود محسوب می‌شوند و همچنین مدل ارقام تعهدی و نوع سیستم حاکمیت شرکتی موجب تعدیل روابط میان استقلال و اندازه هیأت مدیره و مدیریت سود می‌شوند. هاشمی و

همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر چسبندگی هزینه‌ها بر محافظه‌کاری شرطی و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. نتایج به‌دست آمده نشان داد که پس از کنترل اثر چسبندگی هزینه‌ها، محافظه‌کاری شرطی کاهش می‌یابد. همچنین نتایج بیانگر این مطلب است که رابطه تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر محافظه‌کاری شرطی را کاهش می‌دهد. ژو و هانگ (۲۰۱۵) تحت عنوان مدیریت سود، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه‌ها به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و مدیریت سود و همچنین اثر متقابل آنان را بر چسبندگی هزینه‌ها پرداختند. نتایج بررسی‌های آنان حاکی از این است که حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند چسبندگی هزینه‌ها را کاهش دهد.

### ۳- فرضیه تحقیق

بر اساس مبانی نظری تحقیق و مطالعات تجربی انجام شده فرضیه زیر تدوین شده و مورد آزمون قرار می‌گیرد:  
فرضیه اول: بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه‌های تحقیق و توسعه ارتباط معناداری وجود دارد.  
فرضیه دوم: بین راهبری شرکتی و چسبندگی هزینه‌های تحقیق و توسعه ارتباط معناداری وجود دارد.  
فرضیه سوم: راهبری شرکتی رابطه مدیریت سود و چسبندگی هزینه‌های تحقیق و توسعه را تعدیل می‌کند.

### ۴- جامعه و نمونه آماری

در این تحقیق شرکت‌های عضو نمونه به روش حذف سیستماتیک از بین شرکت‌های عضو جامعه آماری با در نظر گرفتن محدودیت‌های زیر انتخاب می‌گردند.

- ۱- شرکت‌ها از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ از بورس حذف یا وارد فرابورس نشده باشند.
  - ۲- شرکت‌ها غیر تولیدی نباشند. به دلیل تفاوت در ماهیت عملکرد شرکت‌های تولیدی از سایرین، شرکت‌های بیمه، سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بانک‌ها، واسطه‌گری‌های مالی و ... از دامنه تحقیق کنار گذاشته می‌شوند. زیرا مرزبندی مشخصی بین فعالیت‌های عملیاتی و مالی آن‌ها وجود ندارد.
  - ۳- پایان سال مالی شرکت‌ها پایان اسفند ماه باشد و سال مالی خود را طی دوره‌های مورد نظر تغییر ندهند باشند، این محدودیت به علت یکنواختی و همچنین خنثی کردن اثر تورم و سایر رویدادهای مؤثر در فاصله زمانی بین پایان سال مالی شرکت‌ها در نظر گرفته شده است.
  - ۴- شرکت‌ها در دو سال پیاپی توقف معاملاتی ۶ ماهه نداشته باشند. زیرا در صورت وجود وقفه معاملاتی، مبلغ فروش که یکی از اقلام به کار گرفته شده در اندازه‌گیری متغیرها می‌باشد، می‌تواند تغییر کند و بر روی نتایج پژوهش اثرگذار باشد.
  - ۵- اطلاعات مورد نیاز تحقیق شرکت‌ها در بازه زمانی در دسترس بوده و ناقص نباشد.
- با توجه به نتایج به‌دست آمده برای انتخاب نمونه آماری، تعداد کل نمونه آماری ۱۹۷ شرکت در دوره زمانی ۵ ساله بین سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۰ می‌باشد.

### ۵- مدل رگرسیونی و روش‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

در پژوهش حاضر و در ابتدا برای اندازه‌گیری چسبندگی هزینه از مدل (۱) زیر استفاده شده است. این مدل به صورت کلی است که در آن متغیر مستقل تغییرات درآمد نسبت به دوره قبل و اثر تعدیل‌گر متغیرها نشان داده شده است (ژو و هونگ، ۲۰۱۵):  
مدل (۱)

$$\log \left[ \frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \left\{ \gamma_0 + \sum_{j=1}^n \gamma_j CON_{i,t,j} \right\} * DUM * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t}$$

#### ۵-۱- تحلیل فرضیه اول

در صورتی که متغیرهای تعدیل‌گر وارد مدل (۱) شوند، مدل (۲) به‌دست می‌آید که به صورت زیر می‌باشد. در مدل دوم هدف بررسی ضریب  $\beta_2$  است. در صورتی که ضریب  $\beta_2$  مدل دوم منفی و معنی‌دار باشد، می‌توان پذیرفت که ارتباط منفی و معنی‌داری بین درآمد حاصل فروش و هزینه شرکت‌های دارای کاهش فروش وجود دارد. به عبارت دیگر، زمانی که درآمد حاصل از فروش در شرکت‌های دارای کاهش فروش، پایین بیاید، هزینه‌های آن‌ها کاهش پیدا نمی‌کند و این به منزله پذیرش وجود چسبندگی در مدل

می‌باشد. برای بررسی فرضیه اول از مدل (۲) استفاده شده که این مدل در دو گروه شرکت‌های دارای مدیریت سود و فاقد مدیریت سود مورد سنجش قرار گرفته است (ژوی و هونگ، ۲۰۱۵).

$$\log \left[ \frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_2 DUM * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_3 DUM * CAPR_{i,t} * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_4 DUM * TOBQ_{i,t} * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

## ۲-۵- تحلیل فرضیه دوم

در فرضیه دوم به بررسی اثر راهبری شرکتی بر چسبندگی هزینه شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفته که برای این منظور، از مدل رگرسیونی (۳) استفاده شده است. در این مدل که مدل بسط یافته (۲) می‌باشد، شاخص‌های مربوط به راهبری شرکتی وارد مدل شده است. بنابراین، مدل رگرسیونی فرضیه دوم به صورت زیر می‌باشد. در این مدل،  $\gamma$  شاخص در نظر گرفته شده برای راهبری شرکتی به صورت متغیر تعدیل‌گر وارد مدل شده‌اند که در صورت تأیید معناداری ضریب این متغیرها می‌توان پذیرفت که فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است (ژوی و هونگ، ۲۰۱۵):

$$\log \left[ \frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_2 DUM * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_3 DUM * CAPR_{i,t} * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_4 DUM * TOBQ_{i,t} * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_5 DUM * CG1_{it} * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_6 DUM * CG2_{it} * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_7 DUM * CG3_{it} * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_8 DUM * CG4_{it} * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_9 DUM * CG5_{it} + \beta_{10} DUM * CG6_{it} + \beta_{11} DUM * CG7_{it} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

## ۳-۵- تحلیل فرضیه سوم پژوهش

برای بررسی فرضیه سوم پژوهش که اثر تعدیلی راهبری شرکتی خوب مورد بررسی قرار گرفته است، به بررسی مدل (۴) بدون شاخص‌های راهبری شرکتی پرداخته شده است. به این ترتیب، چهار حالت مورد بررسی قرار گرفته که شامل راهبری شرکتی خوب با شرکت‌های دارای مدیریت سود و بدون مدیریت سود و همچنین، راهبری شرکتی بد با شرکت‌های دارای مدیریت سود و بدون مدیریت سود است. مدل کلی بررسی فرضیه سوم به شرح ذیل می‌باشد (ژوی و هونگ، ۲۰۱۵):

$$\log \left[ \frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_2 DUM * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_3 DUM * CAPR_{i,t} * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_4 DUM * TOBQ_{i,t} * \log \left[ \frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

## ۶- نحوه محاسبه متغیرهای پژوهش

### ۶-۱- مدیریت سود

AEM = مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی که توسط مدل کوتاری (۲۰۰۵) اندازه‌گیری می‌شود که به صورت زیر می‌باشد. این مدل براساس مبانی نظری پژوهش (همانند مشایخی و حسین پور، ۱۳۹۵؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ انصاری و همکاران، ۱۳۹۲) کاملاً پذیرفته شده است:

$$\frac{TA_{it}}{ASSETS_{it-1}} = \beta_0 \left( \frac{1}{ASSETS_{it-1}} \right) + \beta_1 \left( \frac{\Delta SALES_{it}}{ASSETS_{it-1}} \right) + \beta_2 \left( \frac{PPE_{it}}{ASSETS_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۵)}$$

در این مدل داریم:

$TA_{it}$ : اقلام تعهدی کل شرکت که برابر است با درآمد خالص منهای جریانات نقدی عملیاتی شرکت در دوره جاری.

$\Delta SALES_{it}$ : تغییر در درآمدهای حاصل از فروش شرکت نسبت به دوره قبل.

$PPE_{it}$ : اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت در دوره جاری.

$ASSETS_{it-1}$ : دارایی کل اول دوره شرکت.

$\varepsilon_{it}$ : خطای مدل رگرسیونی که از قدرمطلق آن به عنوان شاخص مدیریت سود استفاده شده است. در صورتی که شرکتی دارای مقداری بالاتر از میانگین کل نمونه آماری باشد به عنوان شرکت دارای مدیریت سود در نظر گرفته می‌شود و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

### ۶-۲- راهبری شرکتی

شاخص‌های در نظر گرفته شده برای متغیر راهبری شرکتی به پیروی از ژوی و هونگ (۲۰۱۵) به شرح ذیل می‌باشند:

تمرکز مالکیت: برابر است با میزان سهام تحت تملک بزرگ‌ترین سهامدار شرکت در دوره جاری.

شاخص Z: برای اندازه‌گیری این متغیر از تعداد جلسات هیئت مدیره در یک دوره استفاده شده است. ماهیت شرکت: برای اندازه‌گیری ماهیت شرکت از متغیر مجازی استفاده شده است. به این ترتیب که اگر شرکت دارای مالکیت دولتی باشد یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد. سهامداران نهادی: برابر است با درصد سهام تحت تملک سهامداران نهادی شرکت در دوره جاری. درصد مدیران خارجی: برابر است با نسبت مدیران مستقل به کل اعضای هیئت مدیره شرکت در دوره جاری. اندازه هیئت مدیره: برابر است با تعداد کل مدیران عضو هیئت مدیره شرکت در دوره جاری. دوگانگی وظیفه مدیرعامل: متغیر مجازی که وقتی مدیرعامل، رییس هیئت مدیره نیز باشد یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد.

### ۳-۶- متغیرهای کنترلی

CAPR = سرمایه بری. ارزش خالص دارایی ثابت تقسیم بر درآمد عملیاتی.  
 TOBQ = نرخ رشد که به صورت نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام سنجش می‌شود.  
 R&D: هزینه‌های تحقیق و توسعه. شاخص‌های مخارج تحقیق و توسعه (محسنی ملکی و اکبری اسرمی، ستایش و کاشانی (پور):  
 مخارج تحقیق و توسعه، هزینه آموزش کارکنان، هزینه تحقیقات و آزمایشگاه، هزینه آزمایشگاهی، هزینه تحقیقات انجام شده، هزینه تحقیقات و آموزش، هزینه آزمایشگاهی و تحقیقاتی، هزینه تحقیقات و توسعه، هزینه تحقیقات.

### ۷- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
نسبت هزینه های عمومی	Log SGA	-0.007	-0.054	0.750	0.723	16.279
نسبت هزینه های تبلیغات و تحقیق و توسعه	Log ADV	-0.002	0.000	0.269	0.156	8.596
لگاریتم درآمد	Log REV	-0.005	-0.152	0.984	2.134	16.615
نرخ رشد	TOBQ	1.235	1.2057	47.569	4.821	41.649
راهبری شرکتی خوب	GoodGovernance	0.590	1.000	0.492	-0.368	1.135
مدیریت سود	EM	0.230	0.000	0.421	1.280	2.640
کاهش درآمد	DUM	0.216	0.000	0.412	1.380	2.905
سرمایه بری	CAPR	0.378	0.194	0.799	7.612	76.962

باتوجه به شاخص‌های ارائه شده در جدول ۱ مشاهده می‌شود که میانگین لگاریتم نسبت هزینه‌های عمومی شرکت برابر با  $0.723$  بوده و معادل با این است که خود معیار نسبت هزینه‌های عمومی با میانگین  $0.9930$  بدست آمده و نشان دهنده این است که هزینه های عمومی شرکت تا  $99/30$  درصد هزینه ها را شامل می‌شوند. لگاریتم درآمد شرکتها به طور متوسط برابر با  $16.615$  و نرخ رشد آنها نیز به طور متوسط برابر با  $1.2057$  بوده است. از آنجا که نرخ رشد شرکت بر حسب نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ارزیابی شده، بزرگتری این نسبت از مقدار  $1$  نشان دهنده خوش بینی بازار به سهام شرکت است. به طور میانگین  $59$  درصد از مشاهدات نشان از حاکمیت خوب شرکتی داشته‌اند و به طور متوسط در  $23$  درصد آنها نیز مدیریت سود بالا شکل گرفته است. همچنین شاخص کاهش درآمد شرکتها نیز نشان از کاهش درآمد  $21/6$  درصد شرکتها در دو سال متوالی داشته است. میانگین نسبت سرمایه بری شرکتها نیز برابر با  $0.378$  بدست آمده است که نشان می‌دهد ارزش خالص دارایی‌های ثابت شرکتها  $37/8$  درصد از کل درآمدهای عملیاتی آنها را تشکیل می‌دهد.

### ۸- نتایج آزمون فرضیات

#### ۱-۸- فرضیه اول

فرضیه اول: بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه رابطه معناداری وجود دارد.

به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق، مدل (۲) برای شرکت‌های با مدیریت سود و شرکت‌های فاقد مدیریت سود بطور جداگانه برازش داده می‌شود. در صورتی که ضریب رگرسیونی  $\beta_2$  به طور معناداری در شرکت‌های دارای مدیریت سود، بزرگتر از شرکت‌های فاقد مدیریت سود باشد، و مقدار این ضریب برای شرکت‌های فاقد مدیریت سود، منفی باشد، فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد. جدول ۲ خلاصه یافته‌های این مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج آزمون فرضیه اول

EM=0		EM=1		گروه شرکت‌ها
prob.	Beta	prob.	Beta	متغیر مستقل
0.0000	-0.00460	0.0000	-0.02741	LOG_REV
0.0000	-0.00043	0.0000	0.156727	DUM*LOG_REV
0.5765	0.008488	0.0000	0.350038	DUM*CAPR*LOG_REV
0.0000	0.030547	0.9689	7.22E-07	DUM*TOBQ*LOG_REV
0.0059	0.017066	0.0064	-0.00664	C
0.302635		0.396160		Adjusted R-squared
5.035054		5.130956		F-statistic
0.000		0.000		Prob(F-statistic)
2.053867		2.060016		D-W

با توجه به سطح معناداری بدست آمده برای ضریب  $\beta_2$  در مدل رگرسیونی که نشان دهنده اثر متقابل کاهش درآمد و لگاریتم درآمد شرکت‌ها بر هزینه‌های عمومی شرکت است، مشاهده می‌شود که این اثر در هر دو مدل معنادار بدست آمده و با توجه به اندازه‌های اثر این متغیر در مدل تحقیق مشاهده می‌شود که این ضریب در گروه شرکت‌های دارای مدیریت سود در جهت مثبت و بزرگتر از مقدار این ضریب در گروه شرکت‌های فاقد مدیریت سود بوده است. از این رو می‌توان پذیرفت که فرضیه اول تحقیق در سطح خطای ۰/۰۵ مورد تأیید قرار گرفته و بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش مدیریت سود، انتظار می‌رود چسبندگی هزینه نیز افزایش پیدا کند.

براساس شاخص‌های نیکویی برازش مدل‌ها مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ بدست آمده و نشان از معناداری مدل‌های رگرسیونی مورد تخمین دارد. همچنین نتایج برآورد آماره دوربین واتسون در جهت تأیید استقلال اجزای خطا نشان از برآورد این آماره نزدیک به مقدار تجربی ۲ دارد و می‌توان فرض استقلال اجزای خطا را پذیرفت.

## ۸-۲- نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: بین راهبری شرکتی خوب و چسبندگی هزینه رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون فرضیه دوم تحقیق از تخمین مدل (۳) استفاده می‌شود. اگر تمامی ضرایب  $\beta_i$  در این مدل که نشان دهنده اثر راهبری شرکتی خوب بر روی چسبندگی هزینه هستند، مثبت و معنادار بدست آیند، آنگاه می‌توان پذیرفت که راهبری شرکتی خوب باعث کاهش چسبندگی هزینه در شرکت شده است و فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد. جدول ۳ خلاصه یافته‌های این مدل را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری بدست آمده برای ضرایب تاثیر هریک از ابعاد راهبری شرکتی در مدل تحقیق مشاهده می‌شود که هیچ یک از این عوامل در مدل اثر معناداری نشان ندادند و نسبت هزینه‌های شرکت تنها توسط لگاریتم درآمد آن کنترل شده است. از این رو فرضیه دوم تحقیق در سطح خطای ۰/۰۵ رد شده و می‌توان ادعا نمود که بین راهبری شرکتی خوب و چسبندگی هزینه رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، این نتیجه نشان می‌دهد نقش راهبری شرکتی و تأثیر آن بر چسبندگی هزینه رد شده است. به این ترتیب، می‌توان گفت در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، راهبری شرکتی چندان اثری بر هزینه‌های تحقیق و توسعه نداشته است. بر اساس شاخص‌های نیکویی برازش مدل مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ بدست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. همچنین نتایج برآورد آماره دوربین واتسون در جهت تأیید استقلال اجزای خطا نشان از برآورد این آماره نزدیک به مقدار تجربی ۲ دارد و می‌توان فرض استقلال اجزای خطا را پذیرفت.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه دوم

prob.	t-stat	std.	Beta	متغیر مستقل
0.000	3.204	0.048	0.152	LOG_REV
0.536	0.919	0.158	0.145	DUM*LOG_REV
0.765	0.277	0.161	0.045	DUM*CAPR*LOG_REV

0.640	0.673	0.183	0.123	DUM*TOBQ*LOG_REV
0.356	1.277	0.093	0.119	DUM*CG1
0.436	0.988	0.171	0.169	DUM*CG2
0.356	1.570	0.050	0.079	DUM*CG3
0.304	1.788	0.045	0.081	DUM*CG4
0.360	1.230	0.059	0.073	DUM*CG5
0.624	0.885	0.194	0.172	DUM*CG6
0.833	0.116	0.093	0.011	DUM*CG7
0.965	-0.008	0.007	0.000	C
0.6586				Chow Prob.
0.170345				Adjusted R-squared
3.023455				F-statistic
0.000				Prob(F-statistic)
1.960545				D-W

### ۸-۳- نتایج آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم: اثر تعدیلی راهبری شرکتی بر شرکت‌های دارای مدیریت سود و فاقد مدیریت سود بر کاهش چسبندگی هزینه معنادار است.

برای آزمون فرضیه سوم تحقیق، مدل (۲) در چهار زیر گروه به طور جداگانه تخمین زده می‌شود. به طوری که ابتدا کل داده‌ها به دو گروه از شرکت‌های دارای مدیریت سود و شرکت‌های فاقد مدیریت سود تقسیم می‌شوند. سپس در هر یک از این گروه‌ها شرکت‌ها به دو گروه شرکت‌های با راهبری شرکتی خوب و شرکت‌های با راهبری شرکتی بد تقسیم می‌شوند. از این رو چهار زیر گروه از کل داده‌ها تشکیل می‌شود و مدل (۲) در هر یک از زیرگروه‌ها به طور جداگانه تخمین زده می‌شود. اگر فرضیه سوم تحقیق برقرار باشد، انتظار داریم که ضریب  $\beta_2$  در شرکت‌های دارای مدیریت سود و با راهبری شرکتی خوب به طور معناداری بزرگتر از مقدار این ضریب در سایر گروه‌ها باشد. برای سنجش راهبری شرکتی خوب، از شاخصهایی به پیروی از زوی و هونگ (۲۰۱۵) استفاده می‌شود. به طوری که شاخص‌های کیفی دارای مقادیر صفر و یک اند و شاخص‌های کمی در صورتی که برای شرکت بیشتر از میانه تمام شرکت‌ها باشند برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود. در انتها پس از محاسبه میانگین حسابی مقادیر صفر و ۱ برای هر شرکت، میانگین‌های حاصل با میانه تمام شرکت‌ها مقایسه می‌شود. در صورتی که نمره راهبری شرکتی برای یک شرکت بزرگتر از میانه تمام شرکت‌ها باشد به عنوان شرکت با راهبری شرکتی خوب شناسایی می‌شود و در غیر این صورت به عنوان شرکت با راهبری شرکتی بد شناخته می‌شود. جدول ۴ خلاصه یافته‌های این مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه سوم

EM=0, CG=0		EM=0, CG=1		EM=1, CG=0		EM=1, CG=1		گروه شرکت‌ها
prob.	Beta	prob.	Beta	prob.	Beta	prob.	Beta	متغیر مستقل
0.000	0.17221	0.004	0.17643	0.000	0.03861	0.000	0.14761	LOG_REV
0.593	0.05027	0.045	0.14559	0.000	0.16966	0.000	0.08702	DUM*LOG_REV
0.000	0.03319	0.001	0.07094	0.000	0.16515	0.590	0.02501	DUM*CAPR*LOG_R
0.045	0.06183	0.003	0.12324	0.000	0.08107	0.000	0.18228	DUM*TOBQ*LOG_R
0.000	0.07461	0.000	0.05323	0.000	0.08027	0.536	0.03040	C
0.305345		0.365345		0.503525		0.390556		Adjusted R-squared
10.345457		9.202534		11.464564		15.032464		F-statistic
0.000		0.000		0.000		0.000		Prob(F-statistic)
1.950534		2.093245		2.102456		1.993244		D-W

با توجه به سطح معناداری بدست آمده برای ضریب  $\beta_2$  در مدل‌های رگرسیونی که نشان‌دهنده اثر متقابل کاهش درآمد و لگاریتم درآمد شرکت‌ها بر هزینه‌های عمومی شرکت است، مشاهده می‌شود که این اثر در شرکت‌های فاقد مدیریت سود و فاقد راهبری شرکتی خوب معنادار نبوده در حالی که تاثیر آن در سه مدل دیگر این بخش معنادار بدست آمده است. همچنین با مقایسه اندازه اثر این متغیر در مدل‌ها مشاهده می‌شود که بیشترین اندازه اثر آن در شرکت‌های دارای مدیریت سود و فاقد راهبری شرکتی خوب مشاهده شده که متناقض با نحوه استنتاج از این فرضیه است. از این رو فرضیه سوم تحقیق در سطح خطای ۰/۰۵ رد شده و می‌توان ادعا نمود که اثر متقابل بین راهبری شرکتی خوب و مدیریت سود، چسبندگی هزینه را کاهش نمی‌دهد. به این ترتیب، نتایج به دست آمده برای این مدل نیز نشان می‌دهد راهبری شرکتی خوب اثر چندانی بر چسبندگی هزینه شرکت‌ها ندارد. در حقیقت به نظر می‌رسد نتایج همگی نشان‌دهنده ضعف شاخص‌های راهبری شرکتی در بین شرکت‌های بورسی و عدم اثرگذاری نامناسب این شاخص‌ها بر متغیرهای حسابداری و مالی می‌باشد.



بر اساس شاخص‌های نیکویی برآزش مدل‌ها مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ بدست آمده و نشان از معناداری مدل‌های رگرسیونی مورد تخمین دارد. همچنین نتایج برآورد آماره دوربین واتسون در جهت تایید استقلال اجزای خطا نشان از برآورد این آماره نزدیک به مقدار تجربی ۲ دارد و می‌توان فرض استقلال اجزای خطا را پذیرفت.

## ۹- نتیجه‌گیری

مطابق فرضیه تصمیم آگاهانه، چسبندگی هزینه‌ها نتیجه تصمیمات سنجیده مدیران است. چسبندگی هزینه‌ها به این علت رخ می‌دهد که مدیران، منابع مرتبط با فعالیت‌های عملیاتی را به طور سنجیده تعدیل می‌کنند. زمانی که مدیران، کاهش فروش را موقتی پیش‌بینی کرده و انتظار بازگشت فروش به سطح قبلی را دارند، حذف منابع متناسب با کاهش فروش و تحصیل مجدد آن در آینده، به افزایش هزینه‌ها و در نتیجه کاهش سود در بلندمدت منجر می‌شود. در همین ارتباط و مطابق با نتایج پژوهش حاضر، ژو و هونگ (۲۰۱۵) اعلام کردند چسبندگی هزینه‌ها به طور معناداری با افزایش مدیریت سود کاهش پیدا می‌کند. در پژوهشی دیگر، هوکو و همکاران (۲۰۱۵) اعلام کردند بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه‌ها ارتباط معناداری وجود دارد. عاشوری (۱۳۹۳) هم دریافت بین انگیزه‌های مدیریت سود و چسبندگی هزینه‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

همچنین انتظار می‌رود با بهبود راهبری شرکتی، فعالیت‌های مدیریت سود در شرکت‌ها کاهش پیدا کند، اما این پژوهش نتایجی تجربی برای حمایت از این فرضیه ارائه نمی‌دهد. به عبارت دیگر، این نتیجه نشان می‌دهد نقش راهبری شرکتی و تأثیر آن بر چسبندگی هزینه‌ها رد شده است. به این ترتیب، می‌توان گفت در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، راهبری شرکتی چندان اثری بر هزینه‌های تحقیق و توسعه نداشته است. در همین ارتباط و مغایر با نتایج پژوهش حاضر، ژو و هونگ (۲۰۱۵) اعلام کردند راهبری شرکتی خوب با چسبندگی هزینه‌ها ارتباط معناداری دارد. دالایا و پرگو (۲۰۱۸) نشان دادند شرکت‌ها از نظر مدیریت سود و راهبری شرکتی در مقایسه با سایر شرکت‌ها در محیط اقتصادی مشابه خاص و ویژه هستند که بر هزینه رفتار اثر می‌گذارد. از محدودیت‌هایی که بر این پژوهش تأثیرگذار بوده است می‌توان به این موضوع اشاره کرد که با توجه به تأثیر قوانین و مقررات دولتی، استانداردهای حسابداری و دیدگاه و عملکرد مدیریت بر پدیده چسبندگی هزینه‌ها، هرگونه تغییر در عوامل یاد شده می‌تواند بر شدت و یا ضعف این موضوع تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، اگرچه در پژوهش حاضر رابطه چندان مشخصی بین متغیرهای مستقل و وابسته یافت نگردید، اما نمی‌توان این گونه نتیجه‌گیری نمود که به طور کلی رابطه‌ای بین متغیرهای تحقیق در بازار بورس تهران وجود ندارد. چه بسا با تغییر دوره زمانی و یا محدود نمودن نمونه‌ها با ویژگی‌های خاص و با تغییر روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها امکان پی بردن به روابطی بین متغیرها فراهم گردد. ضمن این که ممکن است ترکیب سهامداران شرکت بر سایر متغیرهای مالی دیگر اثرگذار باشد. این مهم را نیز نباید از نظر دور داشت که بازار بورس تهران (با تأکید بر حجم مبادلات و نقدشوندگی سهام) به شدت تحت تأثیر سایر عوامل م‌تواند باشد که بررسی عوامل مذکور خود به تنهایی می‌تواند دست‌مایه پژوهش‌های فراوانی قرار گیرد.

## منابع

۱. آقای، محمد علی، حسنی، حسن (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر انگیزه‌های شخصی مدیران و متغیرهای حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۶، شماره ۴
۲. ابراهیمی کردلر، علی، ذاکری، حامد (۱۳۸۸)، بررسی مدیریت سود با استفاده از فروش دارائی‌ها، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران شماره ۳، صص ۱۳۵-۱۲۲
۳. اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸)، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال ۴، شماره ۱۵
۴. اعتمادی، حسین، باباجانی، جعفر، آذر، عادل، دیانتی دیلمی، زهرا (۱۳۸۸)، تأثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال ۴، شماره ۱۵
۵. انصاری، عبدالمهدی، خواجوی، حسین (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط هموار سازی سود با قیمت بازار سهام و نسبت‌های مالی؛ پژوهش حسابداری مالی، شماره ۸، صص ۲۳-۵۰
6. Abdullah, S. N., Mohamad-Yusof, N. Z., Mohamad-Nor, M. N., (2010), "Financial restatement and corporate governance among Malaysian listed companies", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 25, No. 6, PP. 526-552.
7. Arya, A., Glover, J. and Sunder, S. (1998). "Earnings management and the revelation principle", *Review of Accounting Studies*, 3, 7-34.
8. Beidleman, C. R. (1973). "Income Smoothing: The Role of Management", *The Accounting Review*, 48(4), 653-667.

9. Buccellato, T., Fazio, G., (2013), "Ownership structure, cash constraints and investment behavior in Russian firms", *Journal of Accounting* 27, 62–87.
10. Choi, J., Kwak, Y. and Choe, C. (2012). "Earnings Management Surrounding CEO Turnover: Evidence from Korea", MPRA Paper No. 40629, Online at <http://mpa.ub.uni-muenchen.de/40629/>.
11. Graham, J., R. Harvey, and Rajgopal, S., (2005), "The economic implications of corporate financial reporting", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 40, No. 1, PP. 3-73.

---

## **Investigate the Moderating Mffect of Corporate Governance on the Relationship Between Profit Management and Cost Stickiness in Companies listed on the Tehran Stock Exchange**

### **Abstract**

Sticking and spending costs is one of the most important issues in the field of financial and accounting management. The literature in this area suggests that the stickiness of costs can not be separated from management incentives. In order to achieve this goal, 197 companies were surveyed during the period from 2016 to 2021. According to the literature, The main purpose of this research is to investigate the moderating effect of corporate governance on the relationship between profit management and cost stickiness in companies listed on the Tehran Stock Exchange. The results show that there is a significant relationship between profit management and cost stickiness, and on the other hand, corporate governance has no effect on cost stickiness. Also, the moderating effect of good corporate governance on the relationship between profit management and cost stickiness was not found to be significant.

**Keywords:** profit management, corporate governance, cost stickine